

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا محمد و آله الطيبين الطاهرين سيما بقیة الله حجة بن الحسن العسکری -عجل الله تعالی فرجه الشریف-

برخی صاحب منصبان و صاحبان زر و زور و تزویر برای حفظ مقام و موقعیت خویش و وابستگان و یا دوستان حزبی، این شبهه را مطرح می نمایند که انتقاد از آن ها با رهنمود های مقام معظم رهبری ، درباره ضرورت امید بخشی به جامعه و ایجاد نشاط در نسل جوان ، معارض است. «مصلحت» اسلام و مسلمین یا جمهوری اسلامی این است که از آن ها (صاحبان قدرت) «انتقاد» نشود و تا آن جا که ممکن است حتی مجلس شورای اسلامی، نباید وزراء و یا شخص رئیس جمهور را استیضاح کند و باید رسانه ها و گویندگان و... همه و همه در پشتیبانی از دولت سخن بگویند.

مطالبی را در پاسخ به این شبهه و امثال آن عرض می نمایم:

1- می توانیم در جهان معاصر دو نوع رژیم سیاسی و مدیریت کلان در کشور داری و اسلوب اداره کشور را مشاهده کنیم:

الف) رژیم بد- حکومت های سلطنتی، شبه سلطنتی ، جمهوری های مادام العمر و حکومت های انقلابی مستبد، به حاکمان و کارگزارانی، قدرت می دهند و آن ها هم برای تحکیم قدرت و افزایش ثروت ، آزاد و بی پروا فعالیت می کنند. آنان بسیار پنهان کار هستند و در مقابل هر سوال ، آشفته و در مقابل هر انتقاد ، سریع عکس العمل نشان داده و با مشت آهنین برخورد می کنند . اگر نتوانند موفق شوند منتقدان را با تهدید و یا تطمیع ساکت می نمایند و اگر نشد با تهمت و ترور شخصیت، مقام علمی یا حسن نیت آن ها را زیر سوال می برند و اگر پیروز نشدند با امنیتی کردن مسئله ، آن ها را روانه زندان و در نهایت به دستگاه قضایی می سپرند و اگر آن هم نشد ، آن ها را معارض و دشمن آشکار بنیاد های مقبول و منافع جامعه و عضوی نا مطلوب معرفی می نمایند.

حکومت هایی مانند عربستان سعودی و رژیم پهلوی نمونه هایی از این دست هستند. طول عمر تاریخی این گونه رژیم ها قطعا کوتاه است اما ملت ، بهای سنگینی برای «انظلام» خواهد پرداخت . این گونه افراد و مسئولان معمولا ثروتی را در بیرون از مرز ها، اندوخته می کنند تا در پایان عمر و ریاستشان، در آن جا به حیات و زندگی تنگین خود ادامه دهند . نمونه ی خفیف آن عبارت است از: (افراد دو تا بعیتی - خرید منزل در خارج از کشور - تحصیل فرزندان و نورچشمان و آقازاده ها در دانشگاه های آمریکا و...نمونه هایی در طبقه متوسط مسئولان و مدیران است).

ب) رژیم خوب - حکومت هایی که می خواهند عمر تاریخی طولانی داشته باشند و به پیشرفت واقعی جامعه خویش ، امید وارند (نه این که آرزومند باشند) نسبت به مسئولان و کارگزاران و به هرکس از صاحبان قدرت و ثروت ، نظارت جدی دارند و برای تحقق نظارت حقیقی به غیر از دستگاه های نظارتی حاکمیت و رسمی به رسانه ها، گویندگان، نویسندگان، خبرنگاران و... فضای باز، امن و مناسبی می دهند تا عامه ی مردم نسبت به امور سیاسی و تصمیمات کلان کشور، آگاهی بیشتری پیدا نمایند و در هنگام اعمال قدرت بر حاکمان مانند انتخابات (برای تعیین روسای قوه مجریه یا مقننه و...) با بصیرت بیشتر و بهتری، قضاوت کرده و تاثیر گذاری کنند.

قانون اساسی ج.ا.ا به بهترین وجه این نوع از حکومت را تبیین و طراحی نموده است.

نتیجه: اگر می خواهیم حکومت اسلامی که امروز در قالب نظام مقدس جمهوری اسلامی تجلی یافته به اهدافش یعنی حکومت آرمانی مهدوی برسد، ناگزیر هستیم بر اساس آموزه های اسلام ناب، امر به معروف و نهی از منکر مسئولان نظام را جدی و وظیفه واجب و لازم هر مکلفی بدانیم .

همه دیده ایم در این چهل سال پس از پیروزی انقلاب، تعدادی از مسئولان و کارگزاران در رتبه های بالا یا متوسط نظام ، همسر و فرزندان خود را در بیرون از مرز ها، اسکان داده و اندوخته هایی را با اختلاس و... آماده کرده و پس از رسوایی و شکست فرار کرده اند و یا به گونه ای به اربابهایشان یعنی آمریکای خیانتکار و انگلیس خبیث و ... خدمت کرده و ان ها پس از فرار این افراد خائن و رذل ، مزدوران خویش را با آغوش باز استقبال کرده و در زیر چتر امنیتی خود سرپرستی می کنند .

پس تا کی ما باید غرامت سادگی، خوش خیالی و نادانی را پرداخت کنیم و اجازه دهیم افرادی معمم یا شخصی و... با شعارهای اسلامی و انقلابی یا ملی و رفاهی ، قدرت را در دست گرفته و علیه منافع امت و ملت اسلام فعالیت کنند!؟

آیا وقت آن نرسیده است که پس از این همه خیانت های سیاسیون به انقلاب، فساد های اقتصادی و اختلاس، قصور ها و تقصیر ها و ... عبرت بگیریم و به این ماجرا و رسم غلط و شیوه بد پایان دهیم و ضرورت پاسخ گویی، شفافیت و ارزش «نقد» بر مسئولان را دریابیم؟!

2- دشمنان بیدار و مسئولان بی لیاقت - دو خطر بزرگ مانند دو تیغه یک قیچی- می توانند رگ حیات جامعه را ببرند . رهبری و پیروان صدیق وی مانند ناخدایی ماهر، باید به گونه ای در طوفان حوادث ، کشتی جامعه را هدایت کنند که سرنشینان در عین آگاهی و بصیرت به خطرات و مشکلات، شجاعانه به «امید» رسیدن به ساحل نجات و سعادت ، تلاش نمایند. زیرا «امید» از لوازم بصیرت و «آرزو» از لوازم جهالت است.

مردمان بزدل و ترسو ، مایوس و نا امید ، خود را به دست طوفان بلا سپرده ، با قبول ظلم اسیر دشمن گردیده برای زنده بودن، هر ذلتی را می پذیرند، اما ملتّی که از کودکی با خون حسین بن علی (ع) رشد کرده و به امید عدالت مهدوی قیام کرده، گوهر وجود خویش را در صحنه جهان معاصر به همگان نشان داده است .

در بسیاری از بحران ها، برخی از عوام در مقام نظر، از خواص بصیرتشان بهتر و در مقام عمل، ایثار و فداکاریشان بیشتر است.

راه درمان و مبارزه جدّی با این دو خطر بزرگ یعنی مسئولان نالایق و توطئه دشمن این است که همه ی مردم، خصوصا تمام حاکمان و مسئولان جامعه، تحت یک نظام واحد باشند و آن تابعیت از «قانون» است هرکسی به هر نحوی که از قانون تخطّی کند باید به حکم همان قانون و بر اساس آن توبیخ یا مجازات شود و هرکسی که به آن عمل می کند مورد تایید و تشویق قرار گیرد.

بسیاری از مصیبت های امروز ما این است که به بهانه های مختلف و به عناوین دروغین و اسم «مصلحت» قانون را نادیده گرفته و دورزدیم . بیانات و سیره عملی حضرت امام خمینی -ره- تابعیت محض مردم و مسئولان از «قانون» می باشد:

«ما می خواهیم یک حکومتی باشد مثل حکومت اسلام که غیر از قانون هیچ چیز حکومت نکند، هیچ؛ قانون فقط حکومت بکند» 1

«در کشوری که قانون حکومت نکند، خصوصا قانونی که قانون اسلام است این کشور را نمی توانیم اسلامی حساب کنیم . کسانی که با قانون مخالفت می کنند، اینها با اسلام مخالفت می کنند .» 2

«قانون در راس واقع شده است و همه افراد هر کشوری باید خودشان را با آن تطبیق بدهند . اگر قانون بر خلاف خودشان هم حکمی کرد، باید خودشان را در مقابل قانون تسلیم کنند، آن وقت است که کشور، کشور قانون می شود .» 3

«معیار در اعمال نهاد ها ، قانون اساسی است و تخلف از آن برای هیچ کس چه متصدیان امور کشوری و لشکری و چه اشخاص عادی جایز نیست .» 4

نتیجه: هر فردی از احاد این کشور باید در برابر قانون و وظایف خود مسئول باشد و در برابر مردم و محکمه صالحه پاسخگویی اعمال خود باشد و آنچه مغفول مانده این است که فقط نباید مسئولان مختلف و مقصر را مجازات کرد بلکه هر قصوری باید مورد توجه بوده و به آن رسیدگی و در صورت لازم، قاصر و مقصر هر دو را مجازات نمود، تا هر ناشایسته و بی سر و پای به سبب ارتباط و وابستگی به صاحب منصبی نتواند پست و مقامی را غصب کند و بر فرض اگر چنین شد برای بی لیاقتی هایش، مسئول بوده و جبران خسارت کرده مطابق قانون مجازات شود .

اگر این مهم صورت بگیرد آن زمان هر فردی توان خودش را محاسبه نموده و پس از آن برای تصاحب مقام، اقدام می کند، همانطور که در جبهه ، هرکس خودش را چون در برابر خداوند متعال در قیامت مسئول می دانست، به آسانی سمتی را نمی پذیرفت. البته نباید توقع ایمان رزمندگان دیروز را از مسئولان عالی رتبه امروز داشت اما باید هزینه بی لیاقتی را به قدری بالا برد تا افراد ناشایسته بر فرض غصب مقام، هزینه خسارت به ملت را پرداخت کرده و به صورت قانونی و مناسب مجازات شوند تا درس عبرت برای همه متخلفان باشد .

3- برخی از برادران اهل سنت عقیده دارند «همه صحابه عادل اند» و اگر کسی بخواهد تاریخ زندگی و اعمال آن ها را «نقد» کند با وی به شدت برخورد می کنند و می گویند : اسلام و تمام میراث دینی ما به این بزرگان (صحابه) وابسته است و هنگامی که گناهان و شرمساری های اعمال آنان مطرح شود سبب تضعیف ایمان عامه مردم میگردد.

در پاسخ به این عقیده سخیف عده ای از محققان اهل سنت و شیعیان معتقد اند : ارزش دین اسلام به قرآن و شخص رسول اکرم (ص) و اهل بیت ایشان (ع) و صحابه حقیقی است و بیان تاریخ و حقایق صدر اسلام باعث می شود که عامه ی مردم از روی بصیرت، حق و اهل آن را بشناسند و بفهمند که رجال، ملاک و معیار حق نیستند . بلکه حق ، معیار و ملاک رجال است . همانطور که در

داستان مشهور آمده است که شخصی در جنگ جمل، دید بزرگانی از صحابه در یک طرف و بزرگانی دیگر در مقابل آن ها قرار گرفته اند (در این جنگ نقل شده صد هزار نفر از مسلمانان کشته شدند) و چون نتوانست گروه حق را از باطل تشخیص دهد، خدمت حضرت امیرالمومنین (ع) رسید و از ایشان سوال کرد و حضرت (ع) بنا به نقلی فرمودند:

«ان الحق لا يعرف بالرجال ، اعرف الحق تعرف اهله» 5

یا فرمودند : ایها الناس اعرفوا الحق تعرفوا اهله و تأملوا سبیل الضلالة تعرفوا سابلها 6

در انقلاب ما هم ، اشخاص ملاک حق نیستند بلکه «قانون» معیار حق و باطل و نقد تفکر و عملکرد بزرگان و مسئولان می باشد.

ضد انقلاب در اوایل تشکیل نظام مقدس ج.ا.ا ترور شخصیت بزرگان انقلاب را به دو شکل در دستور کار خود قرار داد: یا آنان را به قتل می رساند مثل استاد شهید حضرت آیت الله مطهری یا به وجهه و آبروی ایشان حمله می کرد مثل شهید آیت الله بهشتی .

حضرت امام (ره) درباره مظلومیت این شهید بزرگوار فرمودند:

«... و آنچه که من راجب ایشان متأثر هستم شهادت ایشان در مقابل او ناچیز است و آن مظلومیت ایشان در این کشور بود .» 7

نیروهای انقلابی آن زمان در مقابل موج این فتنه مجبور شدند برای دفاع از آبرو و وجهه شخصیت های انقلاب در برابر شایعات اقداماتی انجام دهند .

اما متأسفانه این امر موجب سنت سینه ای شد که یک هاله ای از تقدس و حریم امنی برای اشخاص و بستگان آن ها فراهم ساخت تا از نقد تفکر و عملکرد هایشان مصون بمانند.

حضرت آیت الله مصباح در سخنرانی های قبل از خطبه های نماز جمعه تهران، تصریح کردند که حتی شخص ولی فقیه هم قابل «نقد» است . بنابراین ما نه وظیفه و نه نیازی به چابلوسی مسئولان داریم؛ زیرا حیات نظام اسلامی به حیات و آبروی هیچ فردی گره نخورده است و وظیفه الهی ما اینست که به دهان چابلوسان خاک بپاشیم و از منتقدان تشکر کنیم .

همه مسئولان حتی شخص اول مملکت باید پاسخ گو بوده و جواب قانع کننده به مردم بدهند .

حضرت امام خمینی (ره) می فرمودند : «هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده بدهد ودر غیر این صورت، اگر بر خلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد - خود به خود - از مقام زمامداری معزول است و ضوابط دیگری وجود دارد که این مشکل را حل می کند.» 8

هنگامی که «ولی فقیه» جامع شرایط و نایب امام زمان -عجل الله فرجه الشریف- چنین وظیفه ای دارد و باید پاسخ گو بوده و جواب قانع کننده به مردم بدهد تکلیف باقی مقامات روشن است.

نتیجه: اگر آن چنان که حضرت امام -ره- تبیین فرمودند، هر یک از مسئولان خود را نوکر مردم - نه ارباب آن ها - بدانند و پاسخ های روشن و قانع کننده به ملت بدهند و دستگاه قضائی به صورت جدی مجرمان را محاکمه و نسبت به جرایم مشهود مانند بی حجابی برخورد قانونی نمایند و مجلس بر اساس وظیفه ذاتیش وزرا یا حتی رئیس جمهور را استیضاح کند و ... قطعاً «امید» مردم به پایداری و موفقیت نظام افزایش یافته، برای پیشرفت های مادی و معنوی بیشتر تلاش می کنند . البته واضح است که معیار قضاوت درباره ی عملکرد مسئولان و منتقدان، فقط و فقط مز «قانون» است:

«معیار در اعمال نهاد ها قانون اساسی است و تخلف از آن برای هیچ کس چه متصدیان امور کشوری و لشکری و چه اشخاص عادی جایز نیست.» 9

نمونه عملی و حاضر آن ، اقدام ارزشمند قوه قضائیه برای محاکمه برخی از مفسدان اقتصادی است که نه تنها باعث ناامیدی و یاس مردم نشده است، بلکه باعث سرافرازی نظام اسلامی است و همه مردم از این نوع اقدامات حمایت کرده و بسیار خوشحال می باشند .

در این جا لازم به ذکر دو نکته هستم . نخست : در «نقد» باید انصاف را رعایت نموده و منتقدان باید از هر گونه تهمت و افترا خود داری کرده و فرصت لازم برای پاسخ گویی و دفاع به مسئولی که مورد نقد واقع شده بدهند و برعکس منتقد هم بتواند مطالبش را تبیین کند و لازمه ی چنین امری توسعه «مناظره و کرسی های آزاد اندیشی» است و پایه و اساس این امر همان «امر به معروف و نهی از منکر» است که با رعایت تقوا و اخلاق اسلامی حاصل می گردد .

نکته دوم- مسئولان نباید به منتقدان و پرسشگران اهانت کنند بلکه باید آن ها را بهترین برادران خود بدانند؛ زیرا چابلوسان برای به دست آوردن دنیا از آن ها تمجید می کنند و این گونه افراد چون زهر مار های سمّی برای انقلاب خطرناک هستند و منتقدان طبیعی دلسوز با داروی تلخ می باشند :

قال رسول الله ص- : يا اباذر الحق ثقيل مرّ و الباطل خفيف حلو 10

اخلاق اسلامی به ما حکم می کند که برای اصلاح امور و افزایش امید و نشاط در نیروهای مردمی با روی گشاده، انتقادات را از الطاف و نعمت های الهی به خود و نظام بدانیم و و شکرگزار باشیم .

حضرت امام صادق - ع - می فرمایند : «احب اخوانی الی من اهدی الی عیوبی» 11

ختم کلام

خدمت برادران و خواهران مومن و حزب اللهی عرض می کنم ما زمانی به اهداف و آرمان های مقدس انقلاب اسلامی یعنی «عدالت مهدوی» و «دولت کریمه اسلامی» که تعزها الاسلام و اهله و تذلل بها النفاق و اهله 12 خواهیم رسید که بجای شعار و حرف، در مقام عمل ، نه تنها مردم ایران بلکه همه ی جهانیان ثمره ی تحقق عمل به دین اسلام و مکتب اهل بیت را به چشم ببینند.

در جامعه ای که مسئولان، مانند طبقه متوسط زندگی می کنند و اشرافیت ننگ شمرده می شود وابسته بودن به مسئولان موجب امتیاز نیست و شایسته سالاری حاکم است.

مدرک های تحصیلی نشان دهنده شایستگی نیست هرکس با عملکرد واقعی خود بر اساس تعهد و تخصص، شایستگی هایش را نشان می دهد. در جامعه ای که ارزش های دینی، ارزش محسوب می شود و مردان با ریش های تراشیده و فسق علنی و زنان با آرایش های جذّاب جنسی در اجتماع یا صفحه تلوزیون ظاهر نمی شوند

در صحنه اقتصادی ، رشوه و امتیاز پسر کذا و کذا بودن و ربا پرچیده شده ، قرض الحسنه و صدقات رایج است

در صحنه سیاست وعده های دروغین برای کسب آرای بیشتر و بیان آمارهای دروغین برچیده شده صداقت و بیان واقعیت اگر چه به ضرر گوینده باشد ، دیده می شود....

شرافت های اخلاقی در صحنه ها و تعاملات اجتماعی بقدری فراوان است که حتی اراذل و اوباش نتوانند ننگ عدم شرافت را تحمل نمایند و....

به واسطه عملکرد بسیار بد برخی از مسئولان و بزرگان انقلاب، اموری که ذکر شد «امروز» برای نیروهای انقلاب بیشتر به آرزوهای دست نیافتنی می ماند، در حالیکه چهل سال پیش برای نیروهای انقلابی تحقق آن ها امری طبیعی بود.

باید از عملکرد چهل ساله درس عبرت گرفته، اشتباهات گذشته را تکرار نکنیم که آزموده را آزمودن خطاست. به قول حافظ : من جرّب المجرب حلت به الندامة.

آنچنان که خمینی کبیر- ره - برای تحقق اسلام قیام کرد، بدون توجه به سختی ها و محرومیت ها با توکل به حضرت حق باید به تکلیف الهی خود عمل کرده از کید فرصت طلب ها و منافقان در هر لباس و سمتی نهراسیم و با شناخت کامل از دین اسلام و بصیرت، قیام کنیم تا پرچم این انقلاب الهی را به دست صاحب آن، حضرت حجة ابن الحسن -عجل الله فرجه الشریف- بسپاریم؛ زیرا که در هر صورت، ما پیروزیم.

قرآن کریم می فرماید:

هرکس ولایت خداوند و رسولش و امامان معصوم را بپذیرد، پیروز است.

مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُغْلِبُونَ / 56 مانده

حامد وفسی

عید غدیر خم 1440 ه ق

(1) صحیفہ امام ج 4 ص 407

(2) همان ج 14 ص 414

(3) همان ج 14 ص 415

(4) همان ج 14 ص 201

(5) بحار - ج 40 ص 126 - امالی شیخ صدوق

(6) همان ج 33 ص 213

(7) صحیفہ امام ج 14 ص 518

(8) همان ج 5 ص 409

(9) همان ج 14 ص 201

(10) بحار ج 74 ص 82

(11) همان ج 75 ص 249

(12) مفاتیح - شیخ عباس قمی - دعای افتتاح